



Research paper

The Relationship Between Social Capital, Revolution, and the New Islamic Civilization in the Political Thought of Ayatollah Khamenei

Saeed Karami

PhD student in Islamic Education, Islamic Revolution orientation, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

saeid.karami1362@yahoo.com

0000-0000-0000-0000

Maysam Ghahreman

Research Assistant Professor, Islamic Revolution Historical Studies Department (affiliated with the Islamic Revolution Documents Center), Tehran, Iran (Corresponding author).

meisam.ghahreman@gmail.com

0000-0000-0000-0000

Abstract

The victory of the Islamic Revolution, as well as the neutralization of counter-revolutionary instigations and hostile activities during the early years of the establishment of the Islamic Republic—events such as the activities of separatist groups, a military coup attempt, and Iraqi invasion of Iran—were products of the mobilization of social capital formed during the 1970s and 1980s. The importance of recourse to social capital derived from Iranian-Islamic capacities in resolving crises of contemporary era, particularly after the victory of the Islamic Revolution, gradually assumed a central place in Ayatollah Khamenei's conception of governance and the New Islamic Civilization. In this manner, the thought of the Islamic Revolution was completed and updated through its integration with Islamic governance and civilizational theory. Centered upon the question of what position social capital occupies in the realization of Islamic governance and the New Islamic Civilization, this article seeks to demonstrate the hypothesis that the attainment of Islamic governance and the New Islamic Civilization is not possible—within Ayatollah Khamenei's political thought—without the support and backing of social capital. Therefore, the condition for the realization of Islamic governance and, consequently, the formation of the New Islamic Civilization is the full and comprehensive utilization of social capital capacities. The findings of the research, obtained through thematic analysis, indicate that the realization of Islamic governance and civilization in Ayatollah Khamenei's thought requires two fundamental principles (as overarching themes) that derive their meaning in relation to social capital. First, people-centeredness, which demonstrates that the formation of Islamic civilization is impossible without the will and assistance of the people. Second, Islam and revolutionary values constitute the most important social capital of Iranians for achieving the New Islamic Civilization and, in this respect, must be regarded as a guiding roadmap.

Keywords: Ayatollah Khamenei; Social capital; Islamic Revolution; Governance; New Islamic Civilization.

**مقاله پژوهشی****نسبت میان سرمایه اجتماعی، انقلاب و تمدن نوین اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای****سعید کرمی**دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
saeid.karami1362@yahoo.com

ID 0000-0000-0000-0000

میثم قهرماناستادیار پژوهشی گروه مطالعات تاریخی انقلاب اسلامی (وابسته به مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول).

meisam.ghahreman@gmail.com

ID 0000-0000-0000-0000

چکیده:

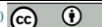
پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین خنثی شدن فعالیت‌های ضدانقلاب و بیگانگان در سال‌های نخستین استقرار جمهوری اسلامی (حوادث نظیر فعالیت‌های گروه‌های تجزیه‌طلب، کودتای نظامی و جنگ تحمیلی) محصول به میدان آمدن سرمایه‌های اجتماعی شکل گرفته در دهه پنجاه و شصت هجری شمسی بود. اهمیت رجوع به سرمایه‌های اجتماعی شکل گرفته از ظرفیت‌های ایرانی - اسلامی در حل بحران‌های تاریخ معاصر، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به تدریج جای خود را در چیرگی حکمرانی و تمدن نوین اسلامی نزد آیت‌الله خامنه‌ای پیدا نمود و بدین ترتیب، اندیشه‌ی انقلاب اسلامی با حکمرانی و تمدن اسلامی تکمیل و به‌روز شد. این مقاله با محوریت این پرسش که جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق حکمرانی و تمدن نوین اسلامی چیست؟ در پی اثبات این فرضیه است که حصول به حکمرانی اسلامی و تمدن نوین اسلامی بدون پشتوانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ بنابراین، شرط تحقق حکمرانی اسلامی و به تبع آن، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌های اجتماعی به طور تمام و کمال است. یافته‌های تحقیق که بر اساس به‌کارگیری روش تحلیل مضمون به دست آمد، نشان می‌دهد که تحقق حکمرانی و تمدن اسلامی نزد آیت‌الله خامنه‌ای نیازمند دو اصل اساسی (به‌مثابه‌ی مضامین فراگیر اصلی) که در ارتباط با سرمایه اجتماعی معنا می‌یابند، است. نخست، مردم‌محوری؛ که نشان می‌دهد شکل‌گیری تمدن اسلامی بدون خواست و یاری مردم غیرممکن است و دوم این‌که اسلام و ارزش‌های انقلابی، مهم‌ترین سرمایه اجتماعی ایرانیان برای حصول به تمدن نوین اسلامی است و از این جهت باید به‌عنوان نقشه‌ی راه در نظر گرفته شوند.

واژگان اصلی: آیت‌الله خامنه‌ای، سرمایه اجتماعی، انقلاب اسلامی، حکمرانی، تمدن نوین اسلامی.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.524376.1136

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

امروزه با اهمیت یافتن نقش مردم در اداره‌ی امور و ضرورت لحاظ کردن شبکه‌های ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌های مختلف، مفهوم حکمرانی یا حکمروایی به مفهوم حکومت ترجیح داده می‌شود. نکته‌ی قابل تأمل آن‌که در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای همواره می‌توان رد پای نگاه انتقادی به حکمرانی به‌ظاهر مطلوب غربی را مشاهده کرد، زیرا هدف اصلی در این نوع حکمرانی، توسعه به‌ویژه توسعه‌ی اقتصادی و مادی است؛ یعنی از نظر نهادهای بین‌المللی و نظریه‌پردازان، در حکمرانی غربی (که معمولاً با عنوان حکمرانی خوب نیز از آن یاد می‌شود)، مهم این است که دولت از نظر مادی توسعه پیدا کند. از نظر آنان، الگوی مزبور می‌تواند ابزار خوبی برای این توسعه باشد؛ اما این الگو به‌عنوان ابزار توسعه، چند مشکل اساسی دارد: اولاً، حکمرانی خوب از نظر هستی‌شناسی معتقد به اصالت فرد در مقابل اصالت جامعه است؛ زیرا ریشه در لیبرالیسم دارد. ثانیاً، از نظر انسان-شناسی معتقد به اومانیسم است و همه چیز را در محور انسان- نه خدا- ارزیابی می‌کند. ثالثاً، از نظر معرفت‌شناسی معتقد به اصالت حواس است؛ یعنی آنچه از طریق حواس به دست آید و برای زندگی انسان مفید باشد، قابل شناخت است؛ بنابراین، به دیگر عوامل معرفت‌توجهی ندارد. رابعاً، از نظر روش‌شناسی، روش را منحصر به روش تجربی می‌داند و روش وحیانی را که به تجربه در نمی‌آید انکار می‌کند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳: ۱۴).

با توجه به این نقدهای اساسی که بر مبانی نظری حکمرانی به‌اصطلاح خوب به‌عنوان الگوی حاکم بر دنیای غرب وارد شده، آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: الگوی غرب برای توسعه یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش‌های انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته‌اند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۷۶). ایشان به سبب رویکرد مادی توسعه در الگوی غربی، آن را برای کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه کشورهای اسلامی مناسب ندانسته و می‌فرماید: به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در نظام اسلامی، ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه اسلامی و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان در این پیشرفت است. در دیدگاه غرب، پیشرفت مادی و محور

آن سود مادی است؛ بنابراین، در چنین دیدگاهی اخلاق و معنویت می‌تواند قربانی پیشرفت مادی شود (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۷۶).

حال با پرسش مهمی مواجه می‌شویم، چنانچه بپذیریم که از یکسو حکمرانی نقش مردم را در اداره‌ی امور پُررنگ می‌داند و از سوی دیگر، نباید غایت حکمرانی مردمی را صرفاً سود و زیان مادی در نظر گرفت، حکمرانی مطلوب و تمدن‌ساز در منظومه‌ی فکری چگونه قابل تحقق است؟ برای پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش این است که شرط تحقق حکمرانی اسلامی و تمدن‌ساز در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای استفاده‌ی حداکثری از ظرفیت‌هایی است که سرمایه‌های اجتماعی برای اداره‌ی امور جاری کشور با خود همراه دارد. در ادامه پس از تعاریف کلی مفاهیم اصلی پژوهش و روش مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها (تحلیل مضمون)، به آزمون فرضیه‌ی فوق خواهیم پرداخت.

پژوهش‌های متعددی به بررسی مفاهیم تمدن نوین اسلامی، سرمایه اجتماعی و نقش انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی اسلامی پرداخته‌اند. در ادامه، برخی از این آثار که در نشریات معتبر علمی منتشر شده‌اند، بررسی شده و نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با آن‌ها تبیین می‌شود:

۱. علی‌اصغر نصیری (۱۳۹۸)؛ «جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه امام خمینی». این مقاله به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) می‌پردازد و بر اهمیت مشارکت اجتماعی و اعتماد عمومی تأکید دارد. با این حال، این پژوهش کمتر به پیوند سرمایه اجتماعی با اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و نقش انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی توجه کرده است.

۲. مرتضی اکبری و فریدون رضایی (۱۳۹۳)؛ «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری». این مطالعه به تبیین ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و بر جنبه‌های فرهنگی و معنوی تأکید دارد. با این حال، نقش سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک عامل محوری در این فرآیند کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۳. رحمت عباس تبار مقری (۱۴۰۰)؛ «چشم‌انداز انقلاب اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی - ایرانی». این پژوهش به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر فرآیند تمدن‌سازی پرداخته، اما به طور خاص به نقش سرمایه اجتماعی و تعامل آن با اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای اشاره‌ای نکرده است.
۴. محمد رحیمیان و دیگران (۱۳۹۷)؛ «بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی». این مقاله بر نقش سرمایه اجتماعی در توسعه فرهنگی با تأکید بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای تمرکز دارد، اما به پیوند این مفهوم با انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی به صورت جامع نپرداخته است.
۵. سید حسین افتخار‌افضلی و ابراهیم کلانتری (۱۴۰۲). «واکاوی سرمایه اجتماعی در چشم‌انداز دینی: مورد مطالعه تحلیل مضمون مشارکت اجتماعی در منظومه اندیشه‌ای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)». این پژوهش به تحلیل مضمون مشارکت اجتماعی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته، اما ارتباط این مشارکت با تمدن نوین اسلامی و نقش انقلاب اسلامی به طور کامل بررسی نشده است.

نوآوری پژوهش حاضر: این پژوهش با تمرکز بر نسبت میان سرمایه اجتماعی، انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، رویکردی یکپارچه ارائه می‌دهد که سه مفهوم کلیدی را در نسبت با یکدیگر تحلیل می‌کند. برخلاف آثار پیشین که عمدتاً بر یک یا دو جنبه (مانند سرمایه اجتماعی یا تمدن‌سازی) تمرکز کرده‌اند، این مطالعه با استفاده از روش تحلیل مضمون، چگونگی تعامل این سه مفهوم را در راستای تحقق حکمرانی اسلامی و تمدن‌ساز بررسی می‌کند. همچنین، با نقد الگوی حکمرانی غربی و ارائه الگوی بومی مبتنی بر سرمایه اجتماعی، به خلأ موجود در ادبیات پژوهش پاسخ می‌دهد.

۱. چارچوب مفهومی

۱.۱. تمدن نوین اسلامی

ابن خلدون مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت دانسته است (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۳۱۲). وی حضارت را یکی از مراحل زندگانی جامعه دانسته است که مرحله بداوت آن را به کمال می‌رساند (همان، ۴۷۹). ایشان درباره مدنیت بیان کرده است: «در این که اجتماع نوع انسان ضروری است و حکیمان این معنی را بدین‌سان تعبیر کنند که انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناگزیر است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند و معنی عمران همین است» (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۷۱: ۷۷). به اعتقاد ابن خلدون حضارت و بداوت همدیگر را کامل می‌کنند و حضارت به معنای تأسیس شهرها و شهرک‌ها و استقرار است که حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم و وسایل رفاه و آسایش در آن پدید می‌آید (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۲).

به اعتقاد علامه جعفری «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تضادها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد» (جعفری، ج ۶، ۱۳۷۳: ۲۳۳).

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود، تمدن اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی تعریف کرده‌اند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی بشر در عالم طبیعت و وجود انسان تعبیه کرده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۷/۱۹). ایشان در تبیین شاخصه‌های تمدن اسلامی، بر محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت و دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر تأکید دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲؛ اکبری و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

امام خمینی (ره) نیز تمدن اسلامی را نظامی می‌دانستند که در آن ارزش‌های الهی و انسانی در کنار پیشرفت مادی، محوریت دارند و هدف آن، سعادت معنوی و مادی انسان است (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۳۴). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، تمدن اسلامی را بر پایه توحید و اخلاق الهی تعریف کرده و بر نقش عقل و وحی در شکل‌گیری آن تأکید دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۱۱۲). علامه مصباح یزدی نیز در آثار خود، تمدن اسلامی را جامعه‌ای معرفی می‌کنند که در آن، ارزش‌های اسلامی مانند عدالت، اخلاق و معنویت، با بهره‌گیری از علم و فناوری، به کمال می‌رسد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۷۸).

فارابی در *فصول متزعه*، تمدن را در قالب مفهوم «مدینه فاضله» بررسی کرده و آن را جامعه‌ای می‌داند که در آن، سعادت جمعی از طریق همکاری عقلانی و اخلاقی تأمین می‌شود (فارابی، ۱۳۷۰: ۵۶). برخلاف دیدگاه‌های معاصر که بر نقش وحی و قوانین قرآنی تأکید دارند، فارابی بیشتر بر عقلانیت و فلسفه سیاسی تمرکز دارد، هرچند این دیدگاه با ادبیات امروزی نیز قابل بازخوانی است. تفاوت اصلی فارابی با اندیشمندان اسلامی معاصر، در اولویت دادن به عقل فلسفی نسبت به وحی در چارچوب مدینه فاضله است، درحالی‌که دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و دیگر اندیشمندان اسلامی، بر تلفیق عقل و وحی تأکید دارد.

۱,۲. سرمایه اجتماعی

دخیل شدن هر چه بیشتر انسان‌ها و مردم عادی در روند تحولات اقتصادی و تاریخی، جامعه‌شناسان و مورخان را به سمت توجه بیشتر به تأثیر نیرو و توان انسانی در مطالعاتشان سوق داد. از اوایل قرن بیستم و با وقایع تاریخی شکل‌گرفته در آن دوره، مفهوم سرمایه اجتماعی به تدریج به عنوان مفهومی کلیدی در بررسی جوامع و علل پیشرفت یا توسعه آن‌ها مطرح شد (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵: ۱۰). سرمایه اجتماعی نزد جامعه‌شناسان تعاریف متعددی دارد، اما به صورت کلی می‌توان آن را مجموعه‌ای از عناصر نظیر اعتماد جمعی، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی دانست که باعث ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک جامعه شده و زمینه‌ساز همکاری برای بهره‌وری سرمایه‌های

انسانی (جسمی و اجتماعی) و راهی برای دستیابی به توسعه و بهبود عملکرد می‌شود (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۲).

در چارچوب نظام مردم‌سالاری دینی، سرمایه اجتماعی از طریق فرهنگ دینی و ملی تقویت می‌شود و نقش محوری در انسجام اجتماعی دارد. عباسعلی رهبر در گفت‌وگویی با عنوان «سرمایه اجتماعی خمیرمایه جامعه ماست» تأکید می‌کند که نهادهای حکومتی مانند دولت و مجلس، نقش حامی و محافظ سرمایه اجتماعی تولید شده توسط نظام امامت و ولایت را ایفا می‌کنند. این دیدگاه، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان بستری برای تقویت پیوندهای اجتماعی و تحقق اهداف نظام اسلامی معرفی می‌کند (رهبر، ۱۳۹۱).

سرمایه با مفهوم جامعه‌شناختی آن شامل عرصه‌های مختلفی چون؛ سرمایه فرهنگی، فکری، انسانی، اجتماعی، کارآفرینانه و فیزیکی می‌شود. در دیدگاه این پژوهش، سرمایه اجتماعی جدای از سرمایه فرهنگی و انسانی نمی‌باشد. سرمایه فرهنگی شامل ارزش‌ها، هنجارها، پیش‌فرض‌ها و باورهایی که در یک جامعه پیش برنده افراد آن اجتماع است. سرمایه انسانی نیز شامل ذخیره دانش و آگاهی نیروی انسانی یک جامعه یا سازمان است که منبع تغییرات، نوآوری‌ها و پیشرفت‌اند. از این رو سرمایه اجتماعی زیرمجموعه سرمایه انسانی نیست؛ زیرا سرمایه اجتماعی به گروه‌ها تعلق دارد و نه افراد و هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنا دارند که بیش از یک فرد در آن‌ها سهیم باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۵-۱۳).

سرمایه اجتماعی از دیدگاه‌های متفاوت و از جانب جامعه‌شناسان متعدد تعریف شده است. بورديو سرمایه را به صورت کلی به سه نوع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تقسیم کرده است و سرمایه اجتماعی را تقویت‌کننده سرمایه اقتصادی و موقعیت اقتصادی افراد در نظر می‌گیرد (winter, 2000: 2-3).

کلمن برای سرمایه اجتماعی از واژه‌های دیگر با ابعاد و مفهومی گسترده‌تر استفاده می‌کند و نقش و کارکرد آن را در نظر می‌گیرد. او سرمایه اجتماعی را ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به‌عنوان منبعی در اختیار کنشگران قرار می‌گیرد تا از طریق آن به

^۱ گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

خواست‌ها و اهدافشان دست یابند، تعریف می‌کند. کلمن خلاف بورديو سرمایه انسانی و افزایش آن را هدف سرمایه اجتماعی می‌داند و درصدد درک نقش هنجارها و ارزش‌ها در افزایش ارزش‌های اجتماعی است. او معتقد است باید سرمایه اجتماعی در هر زمان مورد استفاده قرار گیرد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۹۰).

پوتنام دیگر جامعه‌شناس مطرح در مباحث سرمایه اجتماعی است که این مقوله را عاملی مهم در حکومت‌ها و نهادهای دموکراتیک می‌پندارد. او سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها معرفی می‌کند و آن‌ها را باعث ایجاد ارتباط و شبکه در بین افراد و اعتماد و ارتباط را سبب کنش اعضای جامعه در شبکه می‌داند (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

با توجه به تعاریف سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی، این مقوله دارای ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی معرفی شده است. بر اساس دسته‌بندی کندی در دانشگاه هاروارد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را می‌توان چنین نام برد: ۱- اعتماد، ۲- مشارکت سیاسی، ۳- مشارکت و رهبری مدنی، ۴- پیوندهای اجتماعی غیررسمی، ۵- بخشش و روحیه داوطلبی، ۶- مشارکت مذهبی، ۷- عدالت در مشارکت مدنی، ۸- تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها. با جمع‌بندی موارد فوق، سه مقوله اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی را می‌توان مؤلفه‌های اساسی در سرمایه اجتماعی دانست (szreter, 2002: 575).

۲. روش پژوهش: تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی رایج در تحقیقات کیفی است که برای شناسایی و تفسیر الگوهای معنادار در داده‌های متنی به کار می‌رود (Clarke, 2006 & Braun). این روش داده‌های پراکنده را به داده‌های سازمان‌یافته و تفصیلی تبدیل کرده و برای تبیین واقعیت‌ها و معانی آن‌ها مناسب است (Nolen, 2018 & Castleberry). مضمون، الگویی تکرارشونده در متن است که با پرسش‌های پژوهش مرتبط بوده و درکی خاص را منتقل می‌کند (Horrocks, 2010: 150). برای انتخاب مضمون، پژوهشگر باید مفاهیم تکراری و معنادار را شناسایی کند و از همپوشانی بیش از حد مضامین جلوگیری نماید (Clarke, 2006 & Braun).

در این پژوهش، تحلیل مضمون با ترکیب رویکردهای براون و کلارک (۲۰۰۶) و آتراید-استرلینگ (۲۰۰۱) انجام شده و شامل سه مرحله اصلی است:

۱. تجزیه و توصیف متن:

آشنایی با داده‌ها: پژوهشگر با مطالعه دقیق و مکرر داده‌ها، با محتوا آشنا شده و ایده‌های اولیه برای کدگذاری را ثبت می‌کند.

ایجاد کدهای اولیه: داده‌های متنی به کدها (واحد‌های معنادار) تقسیم می‌شوند که باید مرتبط با سؤالات پژوهش باشند.

شناسایی مضامین: کدها در سه سطح دسته‌بندی می‌شوند: مضامین پایه (مفاهیم کلیدی متن)، سازمان‌دهنده (ترکیب مضامین پایه) و فراگیر (اصول کلی متن).

۲. تشریح و تفسیر متن:

ترسیم شبکه مضامین: شبکه مضامین، ابزاری تحلیلی است که روابط بین مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر را به صورت بصری نمایش می‌دهد (Attride-Stirling, 2001: 390).

تحلیل شبکه: هر مضمون با نامی کوتاه و توضیحی مختصر (در دو جمله) تعریف می‌شود تا معانی داده‌ها به وضوح منتقل شوند.

۳. ترکیب و ادغام متن:

تدوین گزارش نهایی: گزارشی منسجم، مختصر و منطبق بر داده‌ها و سؤالات پژوهش نگاشته می‌شود که تحلیل مضامین را به صورت غیر تکراری ارائه می‌دهد (Clarke, & Braun, 2006).

۳. کاربرست روش تحلیل مضمون در این پژوهش

کاربرست روش تحلیل مضمون در پژوهش حاضر، تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در باب سرمایه‌ی اجتماعی و حکمرانی و تمدن نوین اسلامی با محوریت این پرسش است که آیا ارتباطی میان سرمایه‌ی اجتماعی و حکمرانی و تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد؟ برای این منظور ضروری است مؤلفه‌های کلی سرمایه‌ی اجتماعی نظیر اعتماد، پیوند اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سیاسی، مدنی، مذهبی و ... را

به‌طور مفروض در نظر بگیریم و ردّ پای آن‌ها را در گام نخست تحلیل مضمون در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون حکمرانی و تمدن نوین اسلامی بیابیم و بدین ترتیب گام به گام روش تحلیل مضمون را در ارتباط با سؤال فوق پیش ببریم تا ضمن یافتن ویژگی‌های منحصره‌فرد سرمایه‌ی اجتماعی در منظومه‌ی فکری آیت‌الله خامنه‌ای، ارتباط آن را با حکمرانی و تمدن نوین اسلامی نیز دریابیم.

۴. آشنایی با داده‌ها و کدگذاری اولیه در قالب مضامین پایه

در این بخش پس از آشنا شدن با داده‌ها و جمع‌آوری قسمت‌هایی از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای که حاوی معانی در باب سرمایه اجتماعی، انقلاب، حکمرانی و تمدن نوین اسلامی هستند، مضامین پایه‌ای که تجربه‌ی خاصی از نسبت میان سرمایه اجتماعی، انقلاب، حکمرانی و تمدن نوین اسلامی را به مخاطبان القا می‌کنند، شناسایی خواهند شد. لازم به ذکر است، به دلیل طولانی شدن متن مقاله، ابتدا به‌عنوان نمونه صرفاً بخشی از متون جمع‌آوری شده آورده می‌شوند و سپس مضامین پایه‌ی ناظر به تمام متون استخراج شده، لیست خواهند شد.

۴.۱. بخشی از متون و واحدهای معانی مرتبط با نسبت میان سرمایه اجتماعی،

انقلاب، حکمرانی و تمدن نوین اسلامی

جدول ۱: بیانات و واحدهای معانی مرتبط با نسبت میان سرمایه اجتماعی، انقلاب، حکمرانی

و تمدن نوین اسلامی

منبع	مضامین پایه	متون یا واحدهای معانی استخراج شده
بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور (۱۴۰۲/۱۰/۲۶)	ضرورت نقش- آفرینی مردم در نظام اسلامی	اینجا یک اصل اسلامی را مایلم متذکر بشوم و آن عبارت است از نقش‌آفرینی مردمی در نظام اسلامی و اساساً در حیات اسلامی. مردم، در نگاه اسلام، در نگاه قرآن، با توجه به مجموعه‌ی احکام اسلامی، خیلی مورد توجه‌اند در تحرک جامعه‌ی اسلامی، مجتمع اسلامی و حیات مجتمع اسلامی؛ نقش برجسته‌ای دارند.

منبع	مضامین پایه	متون یا واحدهای معانی استخراج شده
بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور (۱۴۰۲/۱۰/۲۶)	کمک مردم شرط لازم برای موفقیت مسئولان	هر مقداری [هم] که ارزش ذاتی و وجودی و علمی و دینی کسی بالا باشد، هیچ‌کس نیست که محتاج کمک مردم نباشد. این «أَنْ يُعَانَ عَلَيَّ مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ» یعنی اگر بخواهد وظیفه‌ی خودش را و مسئولیت خودش را انجام بدهد، به کمک مردم احتیاج دارد.
بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور (۱۴۰۲/۱۰/۲۶)	حضور و اقدام مردم نیاز ضروری تحقق تمدن اسلامی	روشن است که رسیدن به هدف‌های اسلامی — حالا اسمش را بگذارید «نظام اسلامی»، در نهایت «تمدن اسلامی» — جز با حضور مردم، جز با توجه و مبادرت مردم امکان‌پذیر نیست؛ باید مردم بخواهند، مردم بیایند، مردم اقدام کنند.
بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی (۱۴۰۰/۱۱/۲۸)	برای حصول به تمدن نوین اسلامی هر کس باید در حد توانش تلاش کند.	برای رسیدن به جامعه‌ی اسلامی که احکام اسلام به معنای واقعی در آن پیاده بشود و مردم بهره‌مند بشوند از تحقق این احکام و در نهایت برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، چه کارهایی لازم است، آن کارها را در حد توانمان [انجام بدهیم]؛ هر کسی در حد توان خودش؛ بنده یک جور، آن مسئول یک جور، آن دانشجو یک جور و امثال این‌ها که حالا عرض خواهیم کرد.
بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی (۱۴۰۰/۱۱/۲۸)	زنده بودن انقلاب و ایجاد تمدن نوین اسلامی مشروط به وجود نسل جدید انقلابی	حالا «زنده بودن انقلاب» یعنی چه؟ یعنی دل‌بستگی نسل‌های جدید کشور به آرمان‌های انقلاب. امروز مردم دل‌بسته‌ی همان آرمان‌هایی هستند که انقلاب مطرح کرد؛ یعنی استقلال ملی، عزت ملی، رفاه ملی، عدالت اجتماعی، تحقق جامعه‌ی اسلامی و در نهایت، همان‌طور که عرض کردیم، ایجاد تمدن نوین اسلامی؛ این‌ها هدف‌های بزرگ انقلاب است.
بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹	۱. نسل انقلابی لازمه‌ی حصول به تمدن نوین اسلامی ۲. مقابله با سلطه-	هدف هم ایجاد تمدن نوین اسلامی است؛ این هدف نهایی ما است. ممکن است یک نسل به این هدف نرسد، اما این راه ادامه خواهد داشت و ان‌شاءالله نسل‌های بعدی به این هدف خواهند رسید؛ و باید غلبه کنیم بر دست‌اندازی‌هایی

متون یا واحدهای معانی استخراج شده	مضامین پایه	منبع
که سلطه‌گران در راه ما ایجاد می‌کنند و سیاست‌های خبثت‌آلودی که علیه کشورمان به وجود می‌آورند.	گران بدون نسل انقلابی ممکن نیست.	دی (۱۳۹۹/۱۰/۱۹)
مردم دنبال این هستند که تمدن نوین اسلامی را تشکیل بدهند و به وجود بیاورند؛ اتحاد عظیم اسلامی را به وجود بیاورند، امت اسلامی را تشکیل بدهند. نگاه عامه‌ی مردم، توده‌ی مردم این است.	مردم سازنده‌ی تمدن نوین اسلامی هستند.	سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (۱۳۹۹/۰۳/۱۴)
تکیه‌ی بنده روی جوان‌ها است؛ می‌بینید که غالباً دل‌بسته‌ی جوان‌ها و امیدوار به جوان‌ها هستم برای آینده؛ منتها آن جوانی که می‌تواند پیشران حرکت عظیم کشور به سوی تمدن نوین اسلامی باشد کدام جوان است؟ چه جور جوانی است؟ بنیه‌ی معنوی اینجا معنا پیدا می‌کند؛ جوانی که با انگیزه است، با ایمان است، با خرد است، قادران توان خویش است، اهل کار است، اهل ابتکار است، توکل به خدا دارد، اعتماد به نفس دارد.	جوان‌ها، پیشران تمدن نوین اسلامی	بیانات در دیدار بسیجیان (۱۳۹۸/۰۹/۰۶)
حج یک نمودار کوچکی از جامعه‌ی اسلامی برتر و در واقع یک نمونه‌ای از آن چیزی است که ما در تمدن اسلامی، مورد نظر داریم؛ تمدن اسلامی، این را باید به بشریت اهدا کند. در تمدن نوین اسلامی، معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادی [است]؛ حج مظهر یک چنین تمدنی است.	۱. حج نماد جامعه‌ی اسلامی برتر و نمونه‌ای از تمدن اسلامی ۲. ضرورت در کنار هم قرار گرفتن معنویت و مادیت در تمدن نوین اسلامی	بیانات در دیدار کارگزاران حج (۱۳۹۸/۰۴/۱۲)
آموزش و پرورش باید بتواند انسان‌هایی تربیت کند دانا	پایه‌ی اصلی تمدن	بیانات در دیدار

منبع	مضامین پایه	متون یا واحدهای معانی استخراج شده
معلمان و فرهنگیان (۱۳۹۸/۰۲/۱۱)	نوین اسلامی، تربیت انسان‌های دانا، توانا، خردورز، پارسا، پاکدامن و شجاع است	باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند... تربیت یک چنین انسان‌هایی، یک چنین جوان‌هایی، پایه‌ی اصلی ایران سربلند فردا است، پایه‌ی اصلی تمدن نوین اسلامی است.
بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران	نسل آتی کارآزموده و پُرانگیزه، پیش برنده آرمان ایجاد تمدن نوین اسلامی	دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید.
بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان (۱۳۹۸/۰۷/۲۸)	تربیت نسل جوان، راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی	[راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟] راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیات که آن خصوصیات این‌ها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ -البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم.
بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان (۱۳۹۵/۰۷/۲۸)	نخبگان جوان، موتور محرکه‌ی حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی	سرمایه‌ی حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی، این نسل است و موتور محرکه‌ی این حرکت هم نخبگان جوان‌اند؛ نخبگان این جوری هستند. شماها موتور محرک‌ید. اگر شما خوب کار کردید، این نسل جوان در همین جهتی که عرض کردم، حرکت خواهد کرد. علت اینکه بنده به نخبگان اهمّیت میدهم و وجود آن‌ها را قدر میدانم این‌ها است. نخبه ارزش دارد.
بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان	نگاه به نخبگان به‌عنوان یک فریضه: نخبگان	یک هدف بزرگی در اینجا وجود دارد؛ با این هدف بایستی نگاه به نخبگان یک نگاه جدی، یک نگاه عملیاتی، یک نگاه دلسوزانه و پیگیر باشد. آن هدف چیست؟ آن هدف عبارت

منبع	مضامین پایه	متون یا واحدهای معانی استخراج شده
(۱۳۹۵/۰۷/۲۸)	هموارکننده‌ی راه تمدن نوین اسلامی	است از تبدیل کشور ایران به کشوری پیشرفته، قدرتمند، شریف-شریف در مقابل لئیم و پلید که بعضی از کشورها و بعضی از قدرتها هستند- صاحب حرف نو در مسائل بشری و در مسائل بین‌المللی (...). و برافرازنده‌ی پرچم تمدن نوین اسلامی.
بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران (۱۳۹۵/۰۵/۳۱)	سبک زندگی عامل مهم تحقق تمدن نوین اسلامی	این خیلی مسئله‌ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه میگیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد.
بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی (۱۳۹۴/۱۰/۰۸)	دانش مسلمین به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی گران‌بها برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی	امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان‌که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه‌ی مسلمین استفاده کردند، از فلسفه‌ی مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده میکنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده میکنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه‌ی امروز ما است.

۴.۲. مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر مرتبط با نسبت میان

سرمایه اجتماعی، انقلاب، حکمرانی و تمدن نوین اسلامی

در بخش قبل به تعدادی از متونی که حاوی معنایی در خصوص نسبت میان سرمایه اجتماعی، انقلاب، حکمرانی و تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای هستند و مضامین پایه‌ی اختصاص داده شده به آن‌ها اشاره شد. سایر مضامین پایه‌ی استخراج شده به همراه مضامین سازمان‌دهنده و فراگیری که در مراحل بعدی تحلیل، شناسایی شدند، در قالب جدول زیر آورده شده است:

جدول ۲: مضامین پایه و مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با نسبت میان سرمایه اجتماعی، انقلاب،

حکمرانی و تمدن نوین اسلامی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
<p>ضرورت یاری‌رساندن و کمک مردم، به‌ویژه جوانان، برای شکل‌گیری نظام و تمدن اسلامی</p>	<ul style="list-style-type: none"> - ضرورت نقش‌آفرینی مردم در نظام اسلامی - کمک مردم شرط لازم برای موفقیت مسئولان - ضرورت یاری طلبیدن از تمام آحاد مردم برای حکمرانی و تمدن‌سازی - حضور و اقدام مردم نیاز ضروری تحقق تمدن اسلامی - بدون مردم هیچ کاری پیش نمی‌رود - برای حصول به تمدن نوین اسلامی هر کس باید در حد توانش تلاش کند - مردم سازنده‌ی تمدن نوین اسلامی هستند - جوان‌ها، پیشران تمدن نوین اسلامی - نسل آتی کارآزموده و پُرانگیزه، پیش‌برنده آرمان ایجاد تمدن نوین اسلامی - عنصر اراده‌ی ملی کانون مدیریت کشور - بدون روحیه و احساس جمعی پیشرفتی امکان‌پذیر نمی‌باشد - نخبگان جوان، موتور محرکه‌ی حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی - شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مستلزم همت همگان - مظهر عقلانیت امام: مردم محور تمام فعالیت‌ها در تمدن عظیم اسلامی - جوان به‌عنوان موتور محرک تحولات اجتماعی و سیاسی - تلاش مجاهدانه و مجدانه امت اسلامی پیش‌شرط تحقق تمدن اسلامی - جوان‌ها الگو و نمونه‌ی کامل تمدن نوین اسلامی هستند - نخبگان فکری و نخبگان سیاسی و جوان‌ها باید ایجادکننده‌ی گفتمان برای پیشبرد بخش نرم‌افزاری تمدن باشند - مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش همه است

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<ul style="list-style-type: none"> - انقلاب اسلامی این توانائی را دارد که به همت نسل جوان تمام موانع بر سر راه ایجاد تمدن اسلامی را بردارد - تمدن‌سازی مشروط به شناخت نیازهای حقیقی و اساسی کشور و در اختیار داشتن ابزار برطرف کردن این نیازها است (که مهم‌ترین ابزارها فکر و نیروی انسانی است) - به وجود آورنده‌ی حرکت انقلابی، نظام، دولت، کشور و درنهایت تمدن اسلامی، ملت ایران می‌باشند - فضای انتقادی سالم و آزادی بیان و گفتگوی آزاد، ضرورت بیدار کردن عقل جمعی - شکل‌گیری دولت، کشور و تمدن اسلامی در گروی مشارکت فعالانه‌ی مردم در اصلاح خود و امور - برای شکل‌گیری جامعه متمدن، بزرگ‌ترین مسئولیت بر عهده جوانان است - جامعه متمدن شکل نمی‌گیرد مگر جوان ایرانی تصمیم بگیرد در زمین خود، بذر خود را بپاشد؛ از اندوخته و ثروت فرهنگی خود استفاده کند؛ اراده‌ی خودش را به کار گیرد؛ برای شخصیت و استقلال خود ارزش قائل شود - دستیابی به تمدن نوین اسلامی همت نسل‌های متعدد را می‌طلبد و کاری تدریجی، تاریخی و مرحله‌به‌مرحله است - ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است
<p>تمدن اسلامی بدون خواست و وظیفه‌شناسی مردم محقق نخواهد شد</p>	<ul style="list-style-type: none"> - خواست مردم، پیش‌شرط استقرار حق - مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش همه است - خواست و اصرار مردم پیش‌شرط پذیرش مسئولیت از سوی امیرالمؤمنین - عنصر اراده‌ی ملی کانون مدیریت کشور - شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مستلزم همت همگان - مظهر عقلانیت امام: مردم محور تمام فعالیت‌ها در تمدن عظیم

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<p>اسلامی</p> <ul style="list-style-type: none"> - امروز وظیفه‌ی اَمّت اسلامی، ایجاد تمدّن نوین اسلامی است - «ما می‌توانیم» ملت ما سرمایه‌ی مهم کشور برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی - اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم - بیدار شدن عقل جمعی لازمه‌ی تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی اسلامی - بدترین مشکل یک کشور این است که تمدّن و هویت خود را فراموش کند - جامعه متمدّن شکل نمی‌گیرد مگر جوان ایرانی تصمیم بگیرد در زمین خود، بذر خود را بپاشد؛ از اندوخته و ثروت فرهنگی خود استفاده کند؛ اراده‌ی خودش را به کار گیرد؛ برای شخصیت و استقلال خود ارزش قائل شود - ملت عزیز ما باید فرصت تمدن‌سازی اسلامی که نصیبش شده را قدر بداند - ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدّن است - حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن تمدنی جدید است
<p>سنت‌ها، مناسک و مراسم اسلامی، سرمایه‌ی اجتماعی ارزشمند برای ساخت تمدن اسلامی</p>	<ul style="list-style-type: none"> - حج به‌عنوان سرمایه‌ی اجتماعی مسلمانان - مجمع جهانی اهل‌بیت پایگاهی برای نشر معارف اسلامی - دین صرفاً مربوط به مسائل شخصی نیست بلکه رسالت نظام-سازی و تمدن‌سازی نیز دارد - حج نماد جامعه‌ی اسلامی برتر و نمونه‌ی از تمدن اسلامی - ضرورت برگزاری باشکوه راه‌پیمایی اربعین - مسجد [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی در دل فرهنگ، سیاست

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	<ul style="list-style-type: none"> - مسجد پایگاه مهم برای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی - اسلام سرمایه‌ای اجتماعی است و نباید آن را محدود به حوزه‌ی شخصی دانست - اسلام مهم‌ترین عامل وحدت‌آفرین و امیدبخش نسل‌ها برای رسیدن به آفاق جدید - رساندن کشور به اوج عزت، افتخار، سعادت، رفاه، علم و تمدن معلول زندگی درست و منضبط و مسئولانه مردم است - معارضه‌ی سنت و مدرنیته که برخی روشنفکران نیز بر آن دامن می‌زنند، راهکار تمدن غرب برای پس زدن سایر تمدن‌هاست
<p>فرهنگ مقاومت و بیداری اسلامی، سازنده‌ی تمدن نوین اسلامی</p>	<ul style="list-style-type: none"> - نسلی که ارزش مقاومت در آن نهادینه شده باشد، سازنده‌ی تمدن نوین اسلامی - زنده بودن انقلاب و ایجاد تمدن نوین اسلامی مشروط به وجود نسل جدید انقلابی - مقابله با سلطه‌گران بدون نسل انقلابی ممکن نیست - اهداف استکبار جهانی و استعمار در تضاد با سرمایه‌های اجتماعی جهان اسلام - کسب منافع زورگویان غربی در تضاد با تحقق سرمایه‌ی اجتماعی مسلمانان - اسلام‌گرایی و بیداری امت اسلامی دشمن اصلی سلطه‌گران دنیا - شکل‌گیری ملت، حرکت و هویت انقلابی و ضد استکباری جزء مهمی از سرمایه‌ی اجتماعی و مقدمه شکل‌گیری تمدن اسلامی - جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفت‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها - «بیداری اسلامی» شرط شکل‌گیری تمدن اسلامی - واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده - فرهنگ غرب، فرهنگ مهاجم و نابودکننده‌ی سرمایه‌های

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<p>اجتماعی و فرهنگی</p> <ul style="list-style-type: none"> - با وجود تهدیدها و تحریم‌های گسترده در بخش سخت‌افزاری تمدن پیشرفت قابل توجهی داشته‌ایم - یکی از حدود و ثغور تمدن اسلامی نوین، مواجهه‌ی با تمدن غرب است - لزوم مقاومت در برابر الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی برای ایجاد تمدن اسلامی - استقلال سیاسی و ایستادگی در مقابل زورگوئی دشمنان، مهم‌ترین پایه‌های تمدن اسلامی - فرهنگ فداکاری و شهادت لازمه‌ی رشد و شکوفایی یک نظام و یک تمدن اسلامی - رویارویی با کمین‌ها و موانع، شرط اول کسی که می‌خواهد در راه تمدن‌سازی اسلامی حرکت کند - ضرورت ایستادگی در برابر زورگویی متجاوزان و ظالمان در تمدن اسلامی
<p>تمدن نوین اسلامی نیازمند نهادینه شدن ارزش‌های اسلامی در جامعه</p>	<ul style="list-style-type: none"> - زنده بودن انقلاب نیازمند نهادینه بودن ارزش‌های انقلاب در اکثریت مردم است - ضرورت در کنار هم قرار گرفتن معنویت و مادیت در تمدن نوین اسلامی - ضرورت تغییر ذهنیت‌های مردم برای حصول به آرمان تمدن نوین اسلامی - شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، کاری فرهنگی است که با اعمال زور نسبتی ندارد - اسلام‌گرایی و بیداری امت اسلامی دشمن اصلی سلطه‌گران دنیا - برای شکل دادن به بخش نرم‌افزاری تمدن بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<ul style="list-style-type: none"> - اسلام، سرمایه‌ای اجتماعی است و نباید آن را محدود به حوزه‌ی شخصی دانست - اسلام مهم‌ترین عامل وحدت‌آفرین و امیدبخش نسل‌ها برای رسیدن به آفاق جدید - تمدن نوین اسلامی یعنی اسلام چراغ راه نسل‌های جوان برای رسیدن به آفاق جدید - برای پیشتاز و سربلند شدن یک ملت نیازمند معارف الهی و اسلامی و مدنی تمدن‌ساز هستیم - «بیداری اسلامی» شرط شکل‌گیری تمدن اسلامی - واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده - تمدن ارتباطی با ثروت، صنعت و ماشین ندارد، تمدن در ارتباط با امید، امنیت و تعالی انسانی مطلوب قرار دارد - بخش نرم‌افزاری و حقیقی تمدن، به مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک و به‌طورکلی رفتار ما در محیط‌های مختلف مربوط است - ضرورت ابتدای تمدن بر معنویت - لزوم بنای تمدن اسلامی بر معارف دینی - برای شکوفایی تمدن اسلامی در آینده محتاج یاد و ذکر خدا هستیم - در تمدن اسلامی روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - بر زندگی انسان‌ها حاکم است - وجود ریشه‌های عمیق تفکر اسلامی در کشور ما، هموارکننده‌ی مسیر شکل‌گیری تمدن اسلامی - شرط شالوده‌ریزی تمدن رفیع بشری، زنده نگه‌داشتن یاد امام، یاد پیشروان انقلاب، یاد شهدای بزرگوار و یاد صحنه‌های پرشور انقلاب و جنگ تحمیلی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
<p>برپایی تمدن نوین اسلامی بدون وجود و تربیت نسل انقلابی و مجاهد امکان‌پذیر نیست</p>	<ul style="list-style-type: none"> - نسلی که ارزش مقاومت در آن نهادینه شده باشد، سازنده‌ی تمدن نوین اسلامی - زنده بودن انقلاب و ایجاد تمدن نوین اسلامی مشروط به وجود نسل جدید انقلابی - زنده بودن انقلاب نیازمند نهادینه بودن ارزش‌های انقلاب در اکثریت مردم است - نسل انقلابی لازمی حصول به تمدن نوین اسلامی - سبک زندگی عامل مهم تحقق تمدن نوین اسلامی - مقابله با سلطه‌گران بدون نسل انقلابی ممکن نیست - وجود ملت انقلابی شرط لازم ورود به مرحله تمدن نوین اسلامی - ضرورت تغییر ذهنیت‌های مردم برای حصول به آرمان تمدن نوین اسلامی - شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، کاری فرهنگی است که با اعمال زور نسبتی ندارد - اسلام‌گرایی و بیداری امت اسلامی دشمن اصلی سلطه‌گران دنیا - نسل تربیت‌شده، نسل تمدن‌ساز و سرمایه‌ی اصلی برای پیشرفت کشور - جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفت‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها
<p>اتحاد و همبستگی مسلمانان جهان شرط تحقق تمدن نوین اسلامی</p>	<ul style="list-style-type: none"> - ضرورت اتحاد و همبستگی کشورهای جهان اسلام - بدون روحیه و احساس جمعی پیشرفتی امکان‌پذیر نمی‌باشد - اتحاد همه اقوام و مذاهب برای تحقق تمدن نوین اسلامی ضروری است - اسلام مهم‌ترین عامل وحدت‌آفرین و امیدبخش نسل‌ها برای رسیدن به آفاق جدید
<p>تمدن نوین اسلامی مستلزم</p>	<ul style="list-style-type: none"> - ضرورت در کنار هم قرار گرفتن معنویت و مادیت در تمدن

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
<p>نگاه انتقادی به غرب و سبک زندگی مادی</p>	<p>نوین اسلامی</p> <ul style="list-style-type: none"> - سبک زندگی عامل مهم تحقق تمدن نوین اسلامی - اهداف استکبار جهانی و استعمار در تضاد با سرمایه‌های اجتماعی جهان اسلام - ضرورت تغییر ذهنیت‌های مردم برای حصول به آرمان تمدن نوین اسلامی - کسب منافع زورگویان غربی در تضاد با تحقق سرمایه‌ی اجتماعی مسلمانان - آن نقطه‌ی اساسی‌ای که دشمنان توطئه‌گر اسلام در سطح جهان به آن توجه دارند، نظام‌سازی اسلام است - علم و پیشرفت تمدن غرب به ضرر بشریت تمام شد - سایه‌ی سنگین و شوم ابرقدرت‌ها بر ملت‌های مسلمان مانع تحقق سرمایه اجتماعی آن‌ها - شکل‌گیری ملت، حرکت و هویت انقلابی و ضد استکباری جزء مهمی از سرمایه‌ی اجتماعی و مقدمه شکل‌گیری تمدن اسلامی - دشمنان انقلاب مانع استفاده کشور از ظرفیت‌های اجتماعی‌اش - شاخصه‌ی اصلی و عمومی تمدن اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه‌ی ظرفیت‌های مادی و معنوی‌شان است - یکی از حدود و ثغور تمدن اسلامی نوین، مواجهه‌ی با تمدن غرب است - نگاه تقلیدی از تمدن غرب، خلاف توجه به سرمایه‌های اجتماعی و مانع تحقق تمدن نوین اسلامی - شیفتگی به تمدن غربی عامل کم‌توجهی به سرمایه‌های اجتماعی - در نظر گرفتن اهمیت سرمایه‌های اجتماعی باعث غرب‌ستیزی بررسی‌شده و نه احساسی می‌شود - فرهنگ غرب، فرهنگ مهاجم و نابودکننده‌ی سرمایه‌های

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<p>اجتماعی و فرهنگی</p> <ul style="list-style-type: none"> - دستگاه پهلوی در خدمت فرهنگ غرب و نابودکننده‌ی سرمایه فرهنگی و اجتماعی کشور - تمدن ارتباطی با ثروت، صنعت و ماشین ندارد، تمدن در ارتباط با امید، امنیت و تعالی انسانی مطلوب قرار دارد - برای شکل دادن به بخش نرم‌افزاری تمدن بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم - فرهنگ غربی صرفاً فرهنگ ابزاری و سخت‌افزاری تمدن را مورد توجه قرار می‌دهد - رشد مادی بدون بعد اصلی تمدن، نگاهی تقلیدی است و موجبات ضرر و نقصان را به بار می‌آورد - تمدن اسلامی، تمدن «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیسم» و «برابری» منهای «مارکسیسم» و «نظم» منهای «فاشیسم غرب» است - لزوم مقاومت در برابر الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی برای ایجاد تمدن اسلامی - بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند - تمدن واقعی تمدنی است که متعلق به خود ماست - معارضه‌ی سنت و مدرنیته که برخی روشنفکران نیز بر آن دامن می‌زنند، راهکار تمدن غرب برای پس زدن سایر تمدن‌هاست - در برابر سلطه‌ی حکومت‌های غربی و تمدن غرب باید هوشیار بود - تمدن غربی رو به زوال و انحطاط است - رویارویی با کمین‌ها و موانع، شرط اول کسی که می‌خواهد در راه تمدن‌سازی اسلامی حرکت کند - دلیل دشمنی با جمهوری اسلامی: منافع دشمنان انقلاب در

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
<p>لزوم تربیت همه‌جانبه‌ی افراد برای برپایی تمدن نوین اسلامی</p>	<p>تضاد با همراهی دانش و معنویت</p> <ul style="list-style-type: none"> - پایه‌ی اصلی تمدن نوین اسلامی، تربیت انسان‌های دانا، توانا، خردورز، پارسا، پاکدامن و شجاع است - تربیت نسل جوان، راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی - مسجد [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی در دل فرهنگ، سیاست - مسجد پایگاه مهم برای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی - سبک زندگی عامل مهم تحقق تمدن نوین اسلامی - ضرورت تغییر ذهنیت‌های مردم برای حصول به آرمان تمدن نوین اسلامی - نسل تربیت‌شده، نسل تمدن‌ساز و سرمایه‌ی اصلی برای پیشرفت کشور - فضای انتقادی سالم و آزادی بیان و گفتگوی آزاد، ضرورت بیدار کردن عقل جمعی - دانشگاه‌های ما باید در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند - بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند - دو عنصر اساسی برای ایجاد یک تمدن اسلامی: تولید فکر و پرورش انسان
<p>علما و نخبگان هموارکننده‌ی راه تمدن-سازی اسلامی</p>	<ul style="list-style-type: none"> - نگاه به نخبگان به‌عنوان یک فریضه: نخبگان هموارکننده‌ی راه تمدن نوین اسلامی - نخبگان جوان، موتور محرکه‌ی حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی - علمای دین، روشنفکران راستین، نیروهای انسانی با استعداد و برجسته‌ای در دنیای اسلام، هنر و فناوری مسلمانان (نه سیاستمداران) - سرمایه‌های اجتماعی جهان اسلام برای تحقق تمدن نوین اسلامی - نخبگان فکری و نخبگان سیاسی و جوان‌ها باید ایجادکننده‌ی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<p>گفتمان برای پیشبرد بخش نرم‌افزاری تمدن باشند</p> <ul style="list-style-type: none"> - دانشگاه‌های ما باید در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند - دو عنصر اساسی برای ایجاد یک تمدن اسلامی: تولید فکر و پرورش انسان - جایگاه برجسته‌تر نقش‌آفرینی علمای دین در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی
<p>همبستگی و پیشرفت تدریجی و عمومی ملت فراهم‌کننده‌ی موجبات حصول به تمدن اسلامی</p>	<ul style="list-style-type: none"> - اتحاد همه اقوام و مذاهب برای تحقق تمدن نوین اسلامی ضروری است - ملت شدن ایرانیان مقدمه‌ی الگو شدن جامعه‌ی اسلامی و بزرگ‌ترین تبلیغ برای اسلام - پیشرفت عمومی ملت پس از انقلاب، موجبات پیشرفت کشور را فراهم کرده است - شکل‌گیری ملت، حرکت و هویت انقلابی و ضد استکباری جزء مهمی از سرمایه‌ی اجتماعی و مقدمه شکل‌گیری تمدن اسلامی - حرکت جمعی و مرحله‌به‌مرحله شرط لازم برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی - با وجود تهدیدها و تحریم‌های گسترده در بخش سخت‌افزاری تمدن پیشرفت قابل توجهی داشته‌ایم - برای حصول به تمدن اسلامی باید قدم‌به‌قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پابندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم - تمدن واقعی تمدنی است که متعلق به خود ماست - دستیابی به تمدن نوین اسلامی همت نسل‌های متعدد را می‌طلبد و کاری تدریجی، تاریخی و مرحله‌به‌مرحله است - نباید مسائل جزئی و عیوب کوچک، ما را از هدف اصلی تمدن‌سازی دور کند

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
<p>لزوم شناخت نیازها و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در فرهنگ و جامعه برای تمدن‌سازی اسلامی</p>	<ul style="list-style-type: none"> - رشد هشت درصدی معلول استفاده از ظرفیت‌های موجود در جامعه - واقعیت‌های کشور عامل اصلی طرح ایده‌ی تمدن نوین اسلامی - دانش مسلمین به‌مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی گران‌بها برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی - علمای دین، روشنفکران راستین، نیروهای انسانی با استعداد و برجسته‌ای در دنیای اسلام، هنر و فناوری مسلمانان (نه سیاستمداران) سرمایه‌های اجتماعی جهان اسلام برای تحقق تمدن نوین اسلامی - سرمایه‌ی اجتماعی جامعه‌ی ایرانی متحول، به‌روز و خلاق (نه ثابت و فریز شده) - تمدن نوین متناسب با ظرفیت‌های به‌روز شده‌ی جامعه‌ی اسلامی - «ما می‌توانیم» ملت ما سرمایه‌ی مهم کشور برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی - شاخصه‌ی اصلی و عمومی تمدن اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه‌ی ظرفیت‌های مادی و معنوی‌شان است - در نظر گرفتن اهمیت سرمایه‌های اجتماعی باعث غرب‌ستیزی بررسی شده و نه احساسی می‌شود - انقلاب اسلامی این توانائی را دارد که به همت نسل جوان تمام موانع بر سر راه ایجاد تمدن اسلامی را بردارد - ملت ایران این استعداد را دارد که در زمینه‌های مختلف به‌عنوان الگو در دنیا خودش را نشان دهد - مظهر عقلانیت امام: مردم محور تمام فعالیت‌ها در تمدن عظیم اسلامی - هم میراث گذشته‌ی ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده‌ی ما و هم گرایش دینی و خدائی، همه در مجموع یک ثروت عظیم ملی است برای حرکت امت اسلامی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<ul style="list-style-type: none"> - ملت ایران برخلاف بسیاری از ملت‌ها استعداد تمدن‌سازی را دارد - به خاطر اسلامان، به خاطر ایمانمان، به خاطر استعدادمان باید در قله‌ی تمدن بشری قرار بگیریم - تمدن‌سازی مشروط به شناخت نیازهای حقیقی و اساسی کشور و در اختیار داشتن ابزار برطرف کردن این نیازها است (که مهم‌ترین ابزارها فکر و نیروی انسانی است) - جامعه متمدن شکل نمی‌گیرد مگر جوان ایرانی تصمیم بگیرد در زمین خود، بذر خود را بپاشد؛ از اندوخته و ثروت فرهنگی خود استفاده کند؛ اراده‌ی خودش را به کار گیرد؛ برای شخصیت و استقلال خود ارزش قائل شود - تمدن واقعی تمدنی است که متعلق به خود ماست - معارضه‌ی سنت و مدرنیته که برخی روشنفکران نیز بر آن دامن می‌زنند، راهکار تمدن غرب برای پس زدن سایر تمدن‌هاست - وجود ریشه‌های عمیق تفکر اسلامی در کشور ما، هموارکننده‌ی مسیر شکل‌گیری تمدن اسلامی - پایه‌ی مستحکم و قابل قبول فرهنگ و تمدن اسلامی: برخورداری از چهارچوب و استخوان‌بندی متقن عقلایی - ملت عزیز ما باید فرصت تمدن‌سازی اسلامی که نصیبش شده را قدر بدانند - جوهر تمدن اسلامی، درون خودش است - ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است - ایمان، منبع انرژی مسلمانان در برابر سختی‌های راه تمدن‌سازی اسلامی
<p>جمهوری اسلامی نمونه‌ی عالی بهره‌مندی از سرمایه‌های اجتماعی جهت</p>	<ul style="list-style-type: none"> - شکل‌گیری ملت، حرکت و هویت انقلابی و ضد استکباری جزء مهمی از سرمایه‌ی اجتماعی و مقدمه شکل‌گیری تمدن اسلامی - پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را به پایگاه مستحکمی برای

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
<p>ساخت تمدن نوین اسلامی</p>	<p>اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد</p> <ul style="list-style-type: none"> - واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده - خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است - دلیل دشمنی با جمهوری اسلامی: منافع دشمنان انقلاب در تضاد با همراهی دانش و معنویت - ملت عزیز ما باید فرصت تمدن‌سازی اسلامی که نصیبش شده را قدر بداند - جمهوری اسلامی نمونه‌ای عالی برای استفاده حداکثری از سرمایه‌های اجتماعی در جهان - شرط شالوده‌ریزی تمدن رفیع بشری، زنده نگه‌داشتن یاد امام، یاد پیشروان انقلاب، یاد شهدای بزرگوار و یاد صحنه‌های پرشور انقلاب و جنگ تحمیلی - حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن تمدنی جدید است
<p>تعالیم اسلامی، راهنمای اصلی برای عملیاتی ساختن تمدن نوین اسلامی</p>	<ul style="list-style-type: none"> - تمدن نوین اسلامی یعنی اسلام چراغ راه نسل‌های جوان برای رسیدن به آفاق جدید - برای پیشتاز و سربلند شدن یک ملت نیازمند معارف الهی و اسلامی و مدنی تمدن‌ساز هستیم - تمدن ارتباطی با ثروت، صنعت و ماشین ندارد، تمدن در ارتباط با امید، امنیت و تعالی انسانی مطلوب قرار دارد - اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم - هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است - هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمی‌تواند تمدن‌سازی کند - بدون مکتب و بدون ایدئولوژی و ایمان نمی‌توان یک تمدن را

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<p>به وجود آورد</p> <ul style="list-style-type: none"> - مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی علم و صنعت باید باشد - ضرورت ابتدای تمدن بر معنویت - تمدن اسلامی، تمدن «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیسم» و «برابری» منهای «مارکسیسم» و «نظم» منهای «فاشیسم غرب» است - لزوم بنای تمدن اسلامی بر معارف دینی - به خاطر اسلامان، به خاطر ایمانمان، به خاطر استعدادمان باید در قله‌ی تمدن بشری قرار بگیریم - در تمدن اسلامی روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - بر زندگی انسان‌ها حاکم است - تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه رخ خواهد داد - پایه‌ی مستحکم و قابل قبول فرهنگ و تمدن اسلامی: برخورداری از چهارچوب و استخوان‌بندی متقن عقلایی - ملت محروم از اولیات تمدن بشری [عربستان پیش از ظهور اسلام]، ایجادکننده‌ی بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری یعنی نهضت اسلامی شد - جوهر تمدن اسلامی، درون خودش است - پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است - ایمان، منبع انرژی مسلمانان در برابر سختی‌های راه تمدن-سازی اسلامی
<p>تمدن باید هم شامل بخش مادی باشد و هم بخش معنوی</p>	<ul style="list-style-type: none"> - تمدن شامل دو بخش نرم‌افزاری (اصلی و اساسی) و سخت‌افزاری (ابزاری) است - ضرورت در کنار هم قرار گرفتن معنویت و مادیت در تمدن نوین اسلامی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<ul style="list-style-type: none"> - بخش ابزاری و سخت‌افزاری تمدن همان علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ است - با وجود تهدیدها و تحریم‌های گسترده در بخش سخت-افزاری تمدن پیشرفت قابل توجهی داشته‌ایم - بخش نرم‌افزاری و حقیقی تمدن، به مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک و به‌طورکلی رفتار ما در محیط‌های مختلف مربوط است - فرهنگ غربی صرفاً فرهنگ ابزاری و سخت‌افزاری تمدن را مورد توجه قرار می‌دهد - رشد مادی بدون بعد اصلی تمدن، نگاهی تقلیدی است و موجبات ضرر و نقصان را به بار می‌آورد - بدون مکتب و بدون ایدئولوژی و ایمان نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد - ضرورت ابتدای تمدن بر معنویت - لزوم بنای تمدن اسلامی بر معارف دینی - هم میراث گذشته‌ی ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده‌ی ما و هم گرایش دینی و خدائی، همه در مجموع یک ثروت عظیم ملی است برای حرکت امت اسلامی - برای شکوفایی تمدن اسلامی در آینده محتاج یاد و ذکر خدا هستیم - ضرورت رشد و همراهی بخش معنوی تمدن با بخش مادی آن - علم و پیشرفت تمدن غرب به ضرر بشریت تمام شد - در تمدن اسلامی روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - بر زندگی انسان‌ها حاکم است - برای حصول به تمدن اسلامی باید قدم‌به‌قدم تحول درونی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
	<p>خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پابندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم</p> <ul style="list-style-type: none"> - تمدن جدید یعنی بتوانیم پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته‌ی فضیلت و معنویت به دست آوریم - در تمدن اسلامی از امکانات و استعداد‌های بشر استفاده بهینه می‌شود - تمدن غربی رو به زوال و انحطاط است - لزوم همراهی دانش و معنویت در تمدن اسلامی - شرط شالوده‌ریزی تمدن رفیع بشری، زنده نگه‌داشتن یاد امام، یاد پیشروان انقلاب، یاد شهدای بزرگوار و یاد صحنه‌های پرشور انقلاب و جنگ تحمیلی - پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است

پس از شناسایی و استخراج مضامین پایه و ترکیب و تلخیص آن‌ها در قالب پانزده مضمون سازمان‌دهنده‌ی مرتبط با نسبت میان مفاهیم سرمایه‌ی اجتماعی، انقلاب و حکمرانی و تمدن نوین اسلامی، باید مضامین پانزده‌گانه‌ی فوق را ذیل مضامین فراگیری که اصول حاکم بر نسبت مفاهیم مذکور را مشخص می‌کنند، تحلیل و طبقه‌بندی کرد. از تحلیل مضامین سازمان‌دهنده، شش مضمون فراگیر به دست آمد که در جدول زیر جزئیات آن‌ها آورده شده است.

جدول ۳: مضامین فراگیر مرتبط با نسبت میان سرمایه اجتماعی، انقلاب، حکمرانی و تمدن

نوین اسلامی

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
<ul style="list-style-type: none"> - ضرورت یاری‌رساندن و کمک مردم، به‌ویژه جوانان، برای شکل‌گیری نظام و تمدن اسلامی - تمدن اسلامی بدون خواست و وظیفه‌شناسی 	<p>مردم‌محوری اصل اساسی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی</p>

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده
	مردم محقق نخواهد شد
<p>لزوم شناخت نیازها و بهره‌گیری از سرمایه‌ها و ظرفیت‌های موجود در جامعه</p>	<p>- لزوم شناخت نیازها و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در فرهنگ و جامعه برای تمدن‌سازی اسلامی - علما و نخبگان هموارکننده‌ی راه تمدن‌سازی اسلامی</p>
<p>ارزش‌ها و مناسک اسلامی مهم‌ترین سرمایه‌ی مسلمانان برای ساخت تمدن نوین اسلامی</p>	<p>- سنت‌ها، مناسک و مراسم اسلامی، سرمایه‌ی اجتماعی ارزشمند برای ساخت تمدن اسلامی - تمدن نوین اسلامی نیازمند نهادینه شدن ارزش‌های اسلامی در جامعه - تعالیم اسلامی، راهنمای اصلی برای عملیاتی ساختن تمدن نوین اسلامی</p>
<p>امکان‌ناپذیری ساخت تمدن نوین اسلامی بدون اندیشه و فرهنگ انقلابی</p>	<p>- فرهنگ مقاومت و بیداری اسلامی سازنده‌ی تمدن نوین اسلامی - برپایی تمدن نوین اسلامی بدون وجود و تربیت نسل انقلابی و مجاهد امکان‌پذیر نیست - تمدن نوین اسلامی مستلزم نگاه انتقادی به غرب و سبک زندگی مادی - جمهوری اسلامی نمونه‌ی عالی بهره‌مندی از سرمایه‌های اجتماعی جهت ساخت تمدن نوین اسلامی</p>
<p>اتحاد و همبستگی مسلمانان در امور مختلف، فراهم‌آورنده‌ی موجبات حصول به تمدن نوین اسلامی</p>	<p>- اتحاد و همبستگی مسلمانان جهان شرط تحقق تمدن نوین اسلامی - همبستگی و پیشرفت تدریجی و عمومی ملت فراهم‌کننده‌ی موجبات حصول به تمدن اسلامی</p>
<p>حصول به تمدن نوین اسلامی نیازمند پیشرفت در هم بعد مادی و هم بعد معنوی زندگی است</p>	<p>- لزوم تربیت همه‌جانبه‌ی افراد برای برپایی تمدن نوین اسلامی</p>

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
- تمدن باید هم شامل بخش مادی باشد و هم بخش معنوی	

نتیجه‌گیری

سرمایه‌ی اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در مدیریت و حکمرانی کارآمد باید بدان توجه کرد، زیرا امروزه بدون در نظرگیری مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی نظیر اعتماد، مشارکت سیاسی، پیوندهای اجتماعی غیررسمی، مشارکت مدنی و مذهبی و غیره، تصور مدیریت و حکمرانی کارآمد غیرممکن است؛ دقیقاً همین تصورناپذیری است که ادبیات سیاسی را وادار به گذار از مفهوم حکومت به حکمرانی کرده است؛ تحولی که باعث شده تحلیل سلسله‌مراتبی قدرت جای خود را به تحلیل‌های پیچیده‌تر فرآیندی و شبکه‌ای دهد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی از یکسو ارزش‌های انقلابی و اسلامی و ازسوی دیگر، ضرورت توجه به جایگاه مردم در امر حکومت‌داری، در پیوند با نظریه‌ی حکومت اسلامی جنبه‌ی عملیاتی شدن به خود گرفت. به دلیل لزوم عبور از نگاه سلسله‌مراتبی صرف و نیاز به رویکردهای فرآیندی‌تر به حکومت، در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای نگاه آرمان‌گرایانه‌ی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در پیوند هر چه بیشتر با ضرورت توجه به سرمایه‌های اجتماعی تکمیل‌تر شد و به‌طور انضمامی‌تری ارائه گردید. به عبارت دیگر، نگاه آرمان‌گرایانه‌ی انقلابی (شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی) در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در پیوند با لزوم توجه به سرمایه‌های اجتماعی شکل انضمامی به خود گرفت. حال پرسش مهم قابل طرح که در این پژوهش کوشیده شد بدان پرداخته شود، چگونگی برقرار شدن نسبت میان مفاهیم سرمایه‌ی اجتماعی، انقلاب، حکمرانی و تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای است که برای پاسخ به آن ابتدا مضامین پایه‌ی سخنان ایشان در این رابطه استخراج و شناسایی شد و پس از تحلیل حدود دویست و چهل مضمون پایه، آن‌ها ذیل پانزده مضمون سازمان‌دهنده طبقه-

بندی و تحلیل شدند. بعد از تفسیر مضامین سازمان‌دهنده و در ارتباط قرار دادن‌شان با یکدیگر، به شش مضمون فراگیر در رابطه با نسبت میان مفاهیم سرمایه‌ی اجتماعی، انقلاب، حکمرانی و تمدن نوین اسلامی رسیدیم که عبارت‌اند از: (۱) مردم‌محوری اصل اساسی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، (۲) لزوم شناخت نیازها و بهره‌گیری از سرمایه‌ها و ظرفیت‌های موجود در جامعه، (۳) ارزش‌ها و مناسک اسلامی مهم‌ترین سرمایه‌ی مسلمانان برای ساخت تمدن نوین اسلامی، (۴) امکان‌ناپذیری ساخت تمدن نوین اسلامی بدون اندیشه و فرهنگ انقلابی، (۵) اتحاد و همبستگی مسلمانان در امور مختلف، فراهم‌آورنده‌ی موجبات حصول به تمدن نوین اسلامی و (۶) حصول به تمدن نوین اسلامی نیازمند پیشرفت در هم بعد مادی و هم بعد معنوی زندگی است.

نکته‌ی مهم حاصله از تفسیر مضامین فراگیر شش‌گانه‌ی فوق اینک دو اصل در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی اساسی و حیاتی است: نخست، مردم‌محوری؛ بدین معنا که بدون خواست و یاری مردم شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی منتفی است و دوم، باید ارزش‌های اسلامی و انقلابی به‌مثابه‌ی نقشه‌ی راه در هدایت مردم به سر منزل مقصود در نظر گرفته شوند. در این میان از نقش مضامین فراگیر دیگر نباید غافل شد، زیرا آن‌ها نیز نقش مهم و قابل‌توجهی در ایجاد تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کنند. برای مثال، پس از برخورداری از دو محور اساسی مذکور که لازمه‌ی ساخت تمدن نوین اسلامی هستند، باید ضمن شناخت نیازها، حداکثر بهره‌برداری را از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های موجود در جامعه برد؛ برای چنین استفاده‌ی حداکثری از ظرفیت‌ها، اتحاد و همبستگی میان مسلمانان امری ضروری است تا از این طریق بتوان تمدن را هم در بُعد مادی و هم بُعد معنوی‌اش به حد غایی خود که همان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است، رساند.

فهرست منابع:

- ابن خلدون (۱۳۶۳). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۳). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۳، شماره ۵، ۸۵-۱۰۰.
- الوانی، مهدی و شیروانی، علیرضا (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها)، اصفهان: مانی.
- جعفری، علامه محمدتقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، جلد ۶. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسینی تاش، سیدعلی و واثق، قادرعلی (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۸)، ۷-۲۸.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.
- خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۷). مقدمه ابن خلدون، جلد ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۴. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عباس‌زاده، محمد و عزیززاده اقدم، محمدباقر و اسلامی بناب، سیدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، فروردین ۱۳۹۱، دوره ۱، شماره ۱، ۱۴۵-۱۷۲.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۰). فصول منتزعه، ترجمه حسن ملکشاهی، تهران، انتشارات سروش.

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضایی، تهران: انتشارات کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، نشریه علوم انسانی دانشگاه امام حسین، شماره ۷، ۶۴-۸۸.
- Attride-Stirling, J. (2001). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3.
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage Publications.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2.
- Castleberry, A. & Nolen, A. (2018). Thematic analysis of qualitative research data: Is it as easy as it sounds? *Currents in Pharmacy Teaching and Learning*, 10(6), 807-815. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.cptl.2018.03.019>
- King, N. & Horrocks, C. (2010). *Interviews in qualitative research*, London: Sage Publications.
- Szreter, Simon (2002). 'The state of social capital: Bringing back in power, politics, and history [Book Review]', *Theory and Society* 31 (5):573-621.
- Winter, Lan. (2000). *Towards a Theorised Understanding of Family Life and Social Capital*, Working Paper No.21, April 2000 Australian Institute of Family Studies.